

## سر آغاز

کتاب *درسهای کاندینسکی در باهاوس* کتابی است که شیوه آموزش هنر و نگره‌های گوناگون آن را به صورت بحث و گفتگو میان استاد و دانشجو، که یکی از شیوه‌های آموزشی کهن و به‌ویژه اسلامی است، به مدرسان و مربیان هنر می‌آموزد و اندیشه هنرجو را وسعت و فراخی بخشیده، او را به پژوهشی بسیار هوشمندانه وامی‌دارد و از خلال این پژوهشها و مقایسه‌های گوناگون میان هنر و طبیعت، هنر و فناوری، هنر و ستاره‌شناسی و هنرهای مختلف با یکدیگر به وحدت هنرها می‌اندیشد. نوشتارهای کاندینسکی همه موجز و به سیاق آیات تورات و سایر کتابهای دینی نوشته شده و از گوهر دینی برخوردار است و درک آنها برای کسانی که هنوز توشه‌ای از هنر برنگرفته باشند آسان و ساده نیست، و لیکن به مثابه کتابها و نوشتارهای کمک‌درسی و دست‌افزار آموزشی مدرسان هنر از زمره بهترینها طی دو سده گذشته می‌باشد.

## پیشگفتار

کاندینسکی، هنرمند نابغه روسی سده بیستم مسیحی، در دسامبر ۱۸۶۶ (۱۲۴۵ خورشیدی هجری) در مسکو متولد شد و در دسامبر ۱۹۴۴ (۱۳۲۳ خ. ه) در پاریس درگذشت. او پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه وارد دانشگاه شد و دوره دکتری حقوق جزایی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۸۹۳ (۱۲۷۲ خ. ه) به استادیاری دانشگاه برگزیده شد. چند سال بعد به او کرسی استادی حقوق در یکی از شهرهای استونی پیشنهاد گردید؛ کاندینسکی نپذیرفت، زیرا به دلیل علاقه وافر به هنرهای تجسمی، اغلب اوقات، به جای تدریس حقوق، در چاپخانه‌ای که «باسمه» (وسمه)های رنگی آثار هنری را چاپ می‌کرد به کار مشغول بود. سپس او برای فرا گرفتن نقاشی به مونیخ آلمان مسافرت کرد، زیرا زبان آلمانی را به خوبی زبان روسی می‌دانست. در آلمان به سرعت تحصیلات هنری خود را گذراند و سپس خودش با ایجاد مدرسه‌ای هنری به آموزش هنرهای تجسمی پرداخت و نتیجه تجربیاتش را به صورت نگاره‌های هنری یا در قالب مقالات متعدد در مجله‌ها یا به صورت کتاب منتشر کرد؛ که می‌توان روحانیت در هنر و در نقاشی به‌ویژه و نقطه - خط - گستره را حاصل این تجربیات دانست.

او به وجود آورنده چندین گرایش «توجیه‌گرا» در آلمان است، که مشهورترین شان «پل»<sup>(۱)</sup> و «سوار آبی»<sup>(۲)</sup> می‌باشد. وی در سال ۱۹۱۰ (۱۲۸۹) اولین پرده نقاشی کاملاً تجربیدی<sup>(۳)</sup> خود را آفرید و کتاب روحانیت در هنر<sup>(۴)</sup> را منتشر کرد که شاید تاکنون هیچ کتابی در قلمرو هنر به اندازه این کتاب چاپ و خوانده نشده است. کاندینسکی به «پدر هنر تجربیدی» مشهور است و هنوز که بیش از شصت سال از مرگ او می‌گذرد، نفوذ و تأثیر فراوانی بر هنرمندان غرب دارد و هیچ هنرمند تجربیدی نیست که از او تأثیر نپذیرفته باشد.

کاندینسکی علاوه بر آفرینش آثار ارزنده هنری و نوشتن و تنظیم نگره‌ها<sup>(۵)</sup> و نظریه‌های متفاوت در همه قلمروهای هنر، در سمت استادی در مدرسه هنری باهاوس که در سال ۱۹۲۳ (۱۳۰۲) معمار آلمانی والتر گروپیوس آن را تأسیس کرده بود، تدریس می‌کرد. روش تدریس کاندینسکی ویژه خود اوست و تاکنون استادان بسیاری در آموزشگاههای هنری دنیا، به‌ویژه در امریکا، از روش او اقتباس و تقلید کرده‌اند. او پیش از آنکه نحوه نقاشی کردن را بیاموزد می‌کوشد نحوه توجه کردن به اشیاء و طبیعت، دیدن با دقت یا نگرستن، نموداربرداری از ظواهر الگو و کشف کششهای درونی عناصر متفاوت الگو، یا به عبارت دیگر کشف نیروهای حیاتی موجود در اشیاء و طبیعت را به دانشجو بیاموزد. بدین طریق دانشجو را به تجزیه و تحلیل همه پدیده‌های طبیعت، جامعه و هنر وادار کند و سپس از این تجزیه و تحلیل به «آمیختار» (ستتر) یا به «ترکیب مجدد» از عناصر تجزیه شده برسد. بنابراین در یک جمله می‌توان قاطعانه اعلام کرد: کاندینسکی مبدع و مبتکر دانش «تجزیه و تحلیل» هنر است. همچنان که پیش از او هیچ‌کس از زندان شکل طبیعی خود را نرهانیده است و هیچ‌کس نیز نیاموخته است که چگونه با تجزیه و تحلیل اشیاء و طبیعت می‌توان از ظواهر آنها گذشت و به فراسوی نادیدنی آنها دست یافت.

کاندینسکی در این دانش و آموزش جدید، اساس کار را بر تجزیه طبیعت به سه عنصر اصلی هنر: نقطه<sup>(۶)</sup>، خط<sup>(۷)</sup> و گستره<sup>(۸)</sup> قرار می‌دهد و می‌کوشد که همه پدیده‌ها را در ارتباط با این سه عنصر آغازین و ساده هنرهای تجسمی بررسی کند و به آمیختاری از هنرهای مختلف دست یابد. او معتقد به وحدت هنرهاست و به دنبال کشف زبانی که بتواند وحدت هنرها را تضمین کند، در این راه تازه و نو گام برمی‌دارد و بنیان فهم و درک همگان را از هنر دگرگون می‌سازد. این پژوهشها هستند که سبب پیدایش شاخه‌ای جدید از هنرهای تجسمی با ویژگیها، ضوابط و قوانین خاص خود: هنر نگاشتاری (یا ترسیم) [گرافیک] می‌شوند که خود شاخه‌ها و شعب متعدد دارد.

رنگ که برای همه هنرمندان، تصویری یا تجریدی، پرسشی بزرگ است، کاندینسکی آن را به گونه‌ای بررسی می‌کند که پاسخگوی همه پرسشهای مطرح شده

و مطرح‌شونده در آینده باشد؛ برای مثال نارنجی را از منظر کاندینسکی بررسی می‌کنیم:

آرْمِش نسبی کاسته شده به وسیلهٔ سرخ = نارنجی؛ یا برعکس: سرخ مشددشده به وسیلهٔ زرد = نارنجی (آرْمِش فعال، کوشا). آرْمِش کوشا = بازداشتن. بازدارنده: نارنجی = زرد بازداشته شده (برای مثال، در یک ترکیب هم‌پهلوشده با زرد یا با زرد محصور شده). نارنجی = دورگه، حد فاصل، بدون عنصری اصلی با صداداری تمام. تهاجم زرد بازداشته شده است، تعادل سرخ از دست رفته است.

... نارنجی: یک هوس، بنابراین به سختی توصیف‌پذیر است: کجا مرز زرد یا سرخ است؟ کجا نارنجی آغاز می‌شود؟ ... نارنجی در درون خود علاوه بر گرمای برون‌مرکزی اش (زرد) یک گرمای درون‌مرکزی (سرخ) دارد. اتحادی نه از عناصر متضاد (زرد - آبی، سفید - سیاه) بلکه از خویشاوندی؛ نارنجی = زرد + سرخ = گرما؛ ... در موسیقی: صداداری گرم ولیکن بازداشته (ترمز) شده، شاخ (بوق) انگلیس، شاخ (بوق) شکار؛ با سیاه درهم شده = ساکسوفون (قره‌نی)، شیپور گرفته. نارنجی = انسان در تمام معانی پذیرفته شده‌اش: پرتوان، برخورد مسلط، مطمئن از خود، لیکن منع شده، درونانه متضاد شده و مطیع ضوابط گشته ...

شاید تاکنون کمتر کسی چنین تحلیلی از یک رنگ کرده باشد و شاید پس از این هم کمتر کسی بتواند فراتر از تحلیل کاندینسکی برود. او در پایان درسهایش سخن سر می‌دهد: «هنری که عاری از مذهب باشد هنر نیست».

درسهای کاندینسکی در باهاوس، برنامه‌های آموزشی او در زمینهٔ هنرهای تجسمی و نحوهٔ این آموزش است که به‌طرزی موجز و دستوره‌وار<sup>(۹)</sup> تنظیم شده است. او علاوه بر آموزش هنرهای تجسمی به آموزش سینما، نمایش، طراحی صنعتی و سایر فنون هنری دیگر نیز پرداخته است. کاندینسکی، همچنان که گفته شد، مبدع، نگره‌پرداز و بنیان‌گذار «هنرهای نگاشتاری» یا «هنرهای ترسیمی»<sup>(۱۰)</sup> نیز هست و اصول آن را در کتاب *از نقطه و خط برگستره* [که من آن را با عنوان *نقطه - خط - گستره به پاریسی برگردانده‌ام*] تدوین کرده است. لیکن من در اینجا فقط درسهای او را که در زمینهٔ طراحی و نقاشی و به‌طور کلی «هنرهای تجسمی»<sup>(۱۱)</sup> است

به فارسی گزارش کرده‌ام و امیدوارم این گزارش بتواند روشنگر دانش «تجزیه و تحلیل هنر» برای نسل جوان و سازنده باشد.

یادآوری. این ترجمه (گزارش) از ترجمه فرانسوی درسهای کاندینسکی در باهوس از مجموعه آمیختار هنرها<sup>(۱۲)</sup> که زیر نظر فیلیپ سر در انتشارات Denoel-Gonthier تنظیم شده است، انجام گرفته و سپس با متن آلمانی آن تطبیق داده شده است.